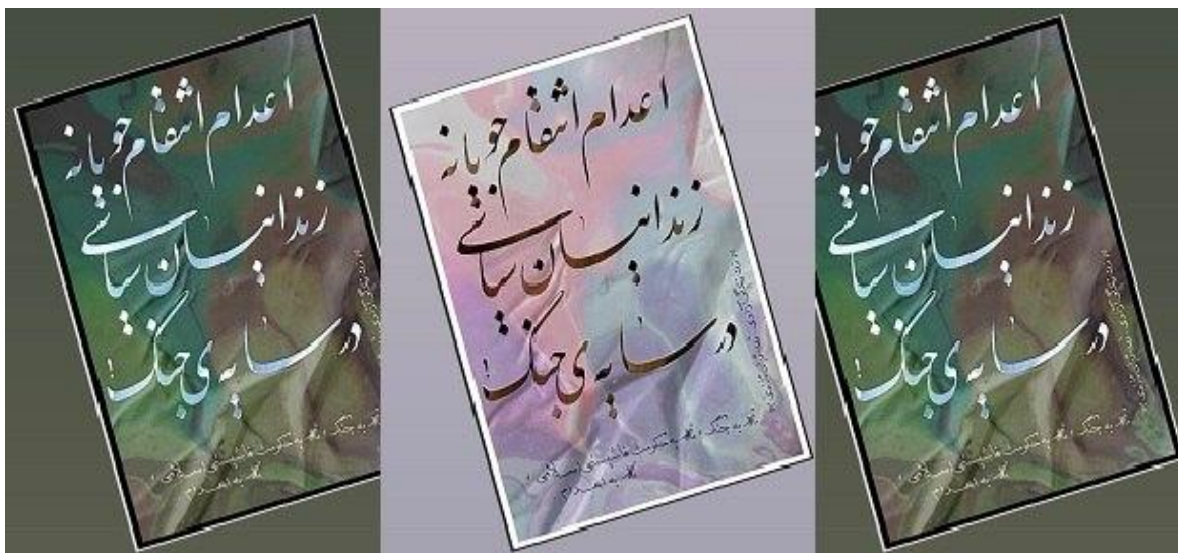


اعدام انتقام جویانه زندانیان سیاسی در سایه ی جنگ!

امیرجواهری لنگرودی

a.javaher99@gmail.com



جمهوری اسلامی برای بقاء خویش همچنان جنگ را نعمت و اعدام مخالفانش را شناسه ارباب و وحشت جامعه می پندارد! وبسایت «نت بلاکس» نوشت: قطعی اینترنت در ایران وارد (۳۸) سی و هشتمین روز خود شده و اکنون بیش از ۸۸۸ ساعت است که دسترسی عموم مردم به ارتباطات بین المللی قطع شده است. بخاطر قطعی اینترنت، بسیاری از مشاغل با خطر جدی مواجه هستند و از امروز شاهد اخراج بی رویه نیروها در شرکتها و کارخانهها هستیم. ادامه این امر دستیابی به داده های خبری موثق را ناممکن و دشوارتر می سازد و ما را همچنان از فضای سیاسی ایران دور می سازد و این به نفع جنگ طلبان جمهوری اسلامی است.

پیشتر نوشتیم: «تخریب زندگی یک میلیون خانواده در کمتر از یک ماه، به نشانه سنگین ترین دستاورد جنگ «بشر دوستانه»، ترامپ و نتانیا هو برای "کمک به آزادی" ایران است. این جنگ تجاوزکارانه هنوز ادامه دارد و صدای رسا و گسترده ای برای توقف فوری جنگ و حملات نظامی در سراسر جهان وجود ندارد.... در این میان آنانی که جاوید شاه گوین برای بمباران ایران هورا می کشند و در پای تجاوز به ایران باشعار "ترامپ بزن" پایکوبی می کنند، در برابر مردم و تاریخ رسوا و بی اعتبار خواهند شد...» (۱)، خاک ایران بعنوان سرزمین سوخته همچنان در حال سوختن است، تهاجم به جزیره خارک برای تخریب منابع

نفی آنجا، جزیی از زیرساخت های جامعه است، نه مرکز فرماندهی سپاه و حاکمیت اسلامی بلکه بخش قدرتمند ثروت مردم ما است.

در شرایطی که نظام اسلامی ایران برای بقای خود، جنگ را نعمت پنداشته و همچنان بساط جنگ طلبی و همه ابرازهای سرکوب، زندان و صدور احکام متناقض آزادی موقت این و آن زندانی را در مقابل موج دستگیری و بازداشت ها و دایر ساختن بساط داغ و درفش با موج اعدام ها داغ نگه می دارد. وحشت رژیم از گشایش زندان ها و همسو شدن زندانیان سیاسی و عقیدتی با مردم مخالف جنگ، زمینه ساز رویکرد نظام به کشتار و اعدام زندانیان را در دل هنگامه جنگ در جامعه برجسته می سازد. فراموش نکرده ایم که در سلسله جنایات دهه شصت، رویکرد رژیم از وحشت وجودی زندانیان سیاسی، به چه شکلی زمینه ساز قتلعام و حشیانه زندانیان سیاسی در تابستان خونین (۶۷) شصت و هفت، بعد از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق شد و هزاران تن از زندانیان سیاسی گروه های مختلف اپوزیسیون را به پای تیرک های اعدام و گورهای جمعی کشاندند!

امروز کدام خانواده ای می تواند از یک سو چشم بر آسمان دوخته و نگرانی سقوط بمب و موشک بر فراز خانه اش نباشد و آسوده سر بر بالش نهد و از سویی نگران زندانی خود نباشد که فردا بر سر او، چه خواهد شد؟ در دل چنین وضعیتی نشانه های آثار هیستریک تجاوز امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی - فاشیستی اسرائیل اشغالگر و کودک کش، در برابر سیاست جنگ طلبی نظام اسلامی که آنرا همچنان نعمتی برای پایه نظام خویش می پندارد، نشانه های شومی از خود به جا گذاشته است. نیروهای جنگ طلب اسلامی و کاسبان جنگ، صحنه رودر رویی ها را چه در درون خاک ایران و چه منطقه گرم نگه داشته اند. فشار به زندانی و صدور احکام اعدام ها را در همین مضمون باید ارزیابی نمود.

در ادامه چنین سیاست جنگ طلبانه ای از هرسو، آدم باید بی شعور باقی مانده باشد و از خود نپرسد که پایه این سطح تجاوز و مداخله در ایران با بهای "جنگ بشر دوستانه"، صرفاً نه تخریب مراکز و پایگاههای نظامی سپاه پاسداران و کمیته ها بوده است؟ حمله به مدرسه میناب، فرودگاه مهرآباد، آب شیرین قشم، بمباران پل عظیمیه کرج در روز سیزده سال، بمباران و حملات به کارخانه ها از جمله: فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان، فولاد باقرشهر اصفهان، صنعتی اراک، آب سنگین خنداب ارا، سیمان فیروزآباد، مجتمع کیک زرد یزد، فولاد اکسین اهواز، کارخانه سیمان فیروزآباد، کارخانه فولاد باقرشهر. در یک مورد شهرک صنعتی البرز قزوین را بمباران کردند، گفته می شود در این شهرک دست کم سیصد تا چهارصد تا از کارخانه بزرگ گرفته تا کارگاه های کوچک صنعتی و تولیدی

در آن واقع شده و هزاران کارگر همراه خانواده های خود در این شهرک سکونت دارند، هنوز از تلفات جانی و ویرانی ها ان مراکز، اماري منتشر نشده است. تهاجم به انستیتوی پاستور و به پایگاههای نفت و گاز کشور، آثار تخریبی محیط زیستی به جامانده از این نوع تهاجمات ویرانگر، حمله به دانشکده داروسازی شیراز و تخریب بخشی از آن، حمله به صنایع پارس جنوبی ویا به پتروشیمی پارس جنوبی در عسلویه، حمله به بیمارستانی که ۱۶۰ نفر کشته شدند. از بین بردن دانش آموزان، معلمان، کودکان و زنان و مردم غیر نظامی، حمله به مراکز سپاه و نیروهای سرکوب و امنیتی و جنگ طلب رژیم اسلامی نبوده و نیست. این حمله به سرزمین ایران است که ترامپ فاشیست می خواهد آنرا به «عصر حجر» بکشاند. نگاهی به آمارهای ارائه شده، وضاحت وضعیت وضع موجود را نشان می دهد. از جمله؛ وزارت آموزش و پرورش، با انتشار گزارشی جداگانه از پیامدهای حملات آمریکا و اسرائیل اعلام کرد که در طی ۳۳ روز از جنگ، ۲۳۷ دانش آموز و ۵۶ نفر از فرهنگیان جانشان را از دست داده اند. به گفته این وزارت خانه از میان دانش آموزان کشته شده تعداد ۱۳۱ نفر پسر، ۹۹ تن دختر و ۵ نفر نیز از نوآموزان بوده اند. فرهنگیان و معلمان جانباخته نیز شامل ۳۸ زن، ۹ مرد، ۳ خانم بازنشسته و ۶ بازنشسته مرد اعلام شده اند.

خبرگزاری هرانا نیز با اعلام داده های تجمیعی از آغاز درگیری ۹ اسفندماه تا روز ۱۱ فروردین تعداد کشته شدگان غیر نظامی را ۱۵۷۴ نفر (از جمله دست کم ۲۳۶ کودک) اعلام کرد. هرانا همچنین تعداد کشته شدگان نظامی را ۱۲۱۱ نفر خبر داد و از تعداد ۷۰۷ نفر نیز به عنوان کشته شدگان نامشخص غیر نظامی یا نظامی نام برد. صد البته این همه آمار نیست. اینها اسمش مبارزه با موجودیت نظام اسلامی نیست، اینها اسمش شرمندگی و تاریک اندیشی همه طرف قوای جنگ طلبی است که به جان مردم افتاده اند. مردمی که با دشواری های بی شماری دارند روز را به شب با سخت جانی می گذرانند.

حاصل کلام آنکه: همدستی سرمایه ی جهانی در پیوند عمل کرد امپریالیسم، صهیونیسم و جمهوری اسلامی دست در دست یکدیگر، جنگ را وسیله برتری جویی خویش بر مردمانشان می پندارند.

آنگاه که نیروی متجاوز امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی - فاشیستی اسرائیل اشغالگر و کودک کش، دانشگاه ها، کارخانه ها، مدرسه ها، بیمارستان ها را، پل ها و فرودگاه کشورمان را بمباران می کنند و دانشجویان، استادان، کارگران، معلمان، دانش آموزان، پرستاران و کادر آموزشی و درمانی را می کشند، وقتی رژیم زندان و شکنجه و اعدام شرورانه و با استفاده از موقعیت

جنگی دوباره چوبه‌های دار را برپا کرده و زندانیان سیاسی اسیردرزندان‌ها را می‌کشد، بطوری که در اولین اقدام پس از آغاز جنگ، یک شهروند دوتابعیتی به نام **کوروش کیوانی** به اتهام «جاسوسی» به چوبه‌های دار آویخت. پس از آن زندانیان سیاسی- امنیتی **مهدی قاسمی، صالح محمدی، سعید داودی و امیرحسین حاتمی** اعدام شدند.

طالبان کشتار و اعدام روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ نیز دو مجاهد به نام‌های **محمد تقوی سنگ دهی** و **اکبر دانشورکار** و در روز سه‌شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ دیگر مجاهدین **بابک علیپورو پویا قبادی** را در زندان قزلحصار به دار آویختند. همچنین در یک جنایت وحشیانه دیگر توسط دژخیمان رژیم در بامداد روز شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ دو مجاهد **جسور وحید بنی عامریان و ابوالحسن منتظر** در زندان قزلحصار سر بردار شدند. جمهوری اسلامی صبح روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، اعلام کرد حکم اعدام **علی فهیم**، از معترضان بازداشتی دی‌ماه و چهارمین متهم پرونده آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه، اجرا شده است. باری همه کاسبان جنگ دست در دست یکدیگر، نیروهای بالفعل و بالقوه‌ی جنبش انقلابی و ترقی‌خواه مان را در سایه جنگ و بیداد نظام جنگ طلب، از میان برمی‌دارند. در چنین شرایطی نیروهای ترقی‌خواه و تحول طلب و ضد جنگ، باید در یاری با مردم برای ترمیم خرابی‌ها، مخالفت خود را برای آزادی زندانیان سیاسی، و مبارزه علیه اعدام‌ها در درون و برون کشور صدای مردم ما باشند.

سه‌شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۰۷ آوریل ۲۰۲۶

منبع: (۱) - فیس بوک امیرجوهری لنگرودی، اینجا "سرزمین سوخته" ایران است. آیا باید جاوید شاه گویان، همچنان برای این "ویران سرا"، در خیابان‌ها زیر پرچم اسرائیل و امریکا رقصید و شادمانی کرد؟

<https://www.facebook.com/amir.javaherilangroudi/posts/pfbid02zj2zBXPn3EC7Zo7rC6gVofTXMtC5qnWJEw1RdoV3ELiJuPVETMdw2E5KpkFYyj371>